

## سبک فرزندپروری مطلوب از منظر اسلام (با تأکیدی بر نقد و بررسی سبک‌های تربیت)

لیلا نظری<sup>۱</sup>

### چکیده

با وجود پیشرفت تکنولوژی و علوم مختلف، تربیت فرزندپروری در عصر حاضر تا حدود زیادی برای والدین مشکل شده است. لذا می‌توان با بررسی سبک‌های مطلوب از نظر آیات و روایات گوشه‌ای از این مسئله را تبیین نمود. هدف این نوشتار آن است تا سبک‌های فرزندپروری را از نظر روانشناسی تبیین و آن را با آموزه‌ها سنجش نماید. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی ابتدا سبک‌های فرزند پروری را تحلیل کرده و سپس آن را با یکدیگر مقایسه می‌نماید. تاکنون در مباحث زیادی در حیطه‌های روانشناسی و قرآنی راجع به فرزند پروری کار شده است اما به گونه‌ای که بتواند به سبک‌های آن تفصیل بیشتر بدهد و نحوه کاربرد آن را تبیین نماید کار نشده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه کمترین آسیب را داشته و نزدیک‌ترین سبک به روش وظیفه مدارانه است که تاکنون در اسلام مخفی مانده‌اند. بنابراین سبک‌های فرزندپروری مسامحه‌کارانه و سبک مستبدانه و سبک

<sup>۱</sup>. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، مدرسه حکمت، جامعه‌المصطفی نمایندگی خراسان، مشهد

سهل گیرانه به عنوان سبک‌های ناسالم مطرح شده و سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین سبک به روش وظیفه‌مدارانه در اسلام می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک، فرزندپروری، مقتدرانه، سهل گیرانه، مستبدانه، قرآن، روایات

#### مقدمه

خانواده به عنوان اولین کانون اجتماعی عامل مهمی در تربیت فرزند می‌باشد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به ویژه رشد روانی آنها، چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چهارچوب خانواده است. (فاتحی‌زاده و یاری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶) روش تربیت والدین در ساختار شخصیت فرزند خیلی تأثیرگذار است. خانواده نقش مهمی در ساختن فضایی دوستانه برای فرزندان و رشد آنان تا رسیدن به استقلال دارد. (رضائی، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

نوع و روش ارتباط والدین با فرزندان از جمله موارد مهم است که سال‌ها نظر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. فرزندپروری به روش رفتار ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا به تعامل به یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. (بامریند، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸)

در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری به تلاش و کوشش والدین برمی‌گردد که والدین باید تشخیص دهند که با کدام روش فرزندان خود را تربیت کنند. خانواده است که فضای فکری و روانی

و عاطفی را برای کودک مهیا می‌کند. به او می‌آموزد که چگونه رفتار شایسته در اجتماع داشته باشد (رضائی، ۱۳۸۴، ص ۱۲)

بنابراین شیوه‌هایی که خانواده برای فرزندپروری پیدا می‌کنند نباید غفلت کند و بهترین روش را برای تربیت فرزندان خود تشخیص داده و انتخاب کنند و مسیر تربیت را برای فرزندان هموار کنند. (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

محققان به مباحث زیادی درباره سبک فرزندپروری پرداخته‌اند. از جمله بامریند با مقایسه سبک‌های فرزندپروری پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بیشترین مسئولیت والدین در تربیت فرزندان مربوط به دوران کودکی و نوجوانی آن‌ها است؛ زیرا در اواخر دوره نوجوانی و پس از آن نقش فرزندان در تربیت خود به شدت افزایش می‌یابد. (بامریند، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶)

هدف مقاله حاضر این است که انواع سبک‌های فرزندپروری را بررسی کرده از نظر آیات و روایات آنها را نقد کند و سپس سبک مطلوب را از نظر اسلام تبیین نماید و پاسخگوی سوال ذیل خواهد بود، سبک مطلوب از منظر اسلام کدام است؟

### انواع خانواده از نظر سبک‌های فرزندپروری

خانواده‌ها به لحاظ تربیت فرزند متفاوت هستند و سبک‌های مختلفی را برای تربیت فرزندان خویش در نظر می‌گیرند. خانواده به لحاظ شیوه تربیت می‌توانند به گروه‌های مختلفی تقسیم‌پذیر باشد که عبارتند از:

## الف. خانواده آزادمنش

در این نوع خانواده‌ها روابط بین اعضای خانواده براساس احترام متقابل است. فرزندان به راحتی می‌توانند حرف دل خود را بزنند و در مسائل خانواده اظهار نظر کنند و اگر والدین مخالف نظر آنان بودند با استدلال آنها را راهنمایی می‌نمایند.

### ب: خانواده مستبد

در این نوع خانواده والدین هستند که تصمیم می‌گیرند و به نظر فرزندان خود احترام قائل نمی‌شوند و فرزندان فقط آنچه را والدین می‌گویند باید اجرا کنند. آسیب‌های این فرزندان در چنین خانواده‌ای آشفته، منزوی، پرخاشگر و ضعیف از لحاظ جسمی و روانی هستند. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۴)

### ج: خانواده سهل انگار:

این گونه خانواده‌ها به فرزندان توجه ندارند و کودکان هر کاری دل‌شان بخواهد انجام می‌دهند و بسیاری از مواقع هم در تشخیص ارزش و ضد ارزش دچار تعارض و مشکل می‌شوند و معمولاً احترام در بین والدین و فرزندان نیست.

### د: خانواده وابسته به فرزند

از این قبیل خانواده‌ها همیشه دوست دارند فرزندان‌شان همیشه کنار آن‌ها باشند و محبت‌های افراطی می‌کنند. گاهی به خاطر حساسیت بیش از حد در رفتار فرزندان، آنها را ناسالم می‌انگارند. این گونه کودک از استقلال لازم برخوردار نمی‌شوند و یا چنان جسور و بی‌نزاکت بزرگ می‌شوند که به راحتی به پدر و مادر

توهین می‌کنند. بیشتر خانواده‌های تک فرزند این‌گونه هستند؛ یعنی خانواده وابسته به فرزند هستند. این نوع فرزندان در آینده معمولاً در زندگی زناشویی دچار مشکل می‌شوند و سبب آشفتگی روحی و یا بیماری جسمی می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۵)

### نقد و بررسی سبک‌ها

در کنار تفاوت خانواده، سبک‌های تربیتی نیز متفاوت می‌شود در بین تمام سبک‌های موجود، چند نوع سبک از شهرت بیشتری برخوردارند که به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. هر کدام از این سبک‌ها مشکلاتی دارند که در تربیت فرزندان ضرر رسانده و فرزندان در آینده با مشکلات اساسی روبه‌رو خواهند شد که هر کدام آن‌ها را از نظر آیات و روایات می‌توان نقد و بررسی کرد.

### سبک فرزندپروری مستبدانه

فرزندان در چنین سبکی، آشفته، منزوی، پرخاشگر، ضعیف از لحاظ جسمی و روانی هستند. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۵) امروزه فرزندان که علائم عصبانیت در آنها مشاهده می‌شود در مقابل کوچک‌ترین حرف، زود واکنش منفی از خود نشان می‌دهد، ثمره این سبک است. هم‌چنین کودک دچار اضطراب، نگرانی‌های روانی، فکری و روحی می‌شود و شاید باعث خودکشی در فرد شود. خانواده‌ای که دقت ندارند و فرزند خود را از این روش تربیت می‌کنند. فرزند به ترس‌های غیر منطقی گرفتار می‌شود و مورد سرزنش قرار می‌گیرد، فرزند می‌گیرد، سرزنش شود توانایی‌های

جسمی و روحی خود را از دست می‌دهد و همیشه خود را ناتوان فکر می‌کند و این باعث عدم موفقیت و افسردگی کودک می‌شود. (پل خاک، ۱۳۸۱، ص ۶۴)

والدینی که به تربیت فرزندان خود سخت می‌گیرند، نه تنها استعداد آنها شکوفا نشده و تحقق نمی‌یابند بلکه به احتمال زیاد در زندگی آینده خود با مشکلاتی از قبیل عدم اعتماد به نفس کافی، خود کم بینی و عزت نفس پائین دچار خواهد شد. (سجادی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵)

از پیامدهای دیگر این است که احساس حقارت در فرزندان به وجود می‌آید. اعتماد به نفس فرزندان تضعیف می‌شود و نوعی احساس بیهودگی و ناکارآمدگی به آنها دست می‌دهند. خود کم‌بینی و اطاعت کورکورانه نیز می‌تواند از پیامدهای این سبک باشند. فرزند جرئت انتخاب و تصمیم‌گیری را ندارد و شادی خود را از دست می‌دهد و به انسان سرشکسته تبدیل می‌شود. (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱)

همچنین آیات قرآن کریم نیز این سبک را رد می‌کند و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹) پس به برکت رحمت الهی بر آنان نرم خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برای آنها آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا

خداوند توکل کنندگان را دوست دارد. در تفسیر این آیه اشاره به این شده که شان نزول این آیه به مناسبت جنگ احد است. اما از نظر محتوا شامل برنامه‌های کلی و اصولی نیز می‌شود و منحصر به واقعه خاص نیست. این آیه به دو نوع خشونت اشاره می‌کند. خشونت در سخن و خشونت در عمل که هیچ‌کدام آنها در رفتار پیامبر نبوده و آن حضرت نرمش کامل در برابر جاهلان و خطاکاران از خود نشان می‌دادند. نرمش یک هدیه الهی است و کسی که نرمش ندارد از این رحمت الهی محروم است.

تعبیر آنها را عفو کن و برای آنها طلب آمرزش نما. نسبت به بی‌وفایی‌های یاران و مصیبت‌هایی که برای تو فراهم کرده از حق خود بگذر یعنی من نزد تو از آنان شفاعت می‌کنم و در مورد نافرمانی‌هایی که نسبت به من کردند تو شفیع آنان نزد من باش و آمرزش آنان را از من طلب کن. این تعبیر اوج محبت خداوند را نسبت به بندگان را نشان می‌دهد. (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۳۲)

بنابراین والدین نباید در تربیت فرزندان خود سخت بگیرند و در صورت سخت گرفتن در تربیت نه تنها فرزندشان رشد نمی‌کند بلکه یک نوع احساس خودکم‌بینی برای آنان پیدا می‌شود. محبت فرزند نسبت به والدین کم می‌شود و فرزند هم چنان کوشش می‌کند که از والدین خود دور باشد و این کار باعث می‌شود که تربیت فرزند به صورت درست انجام نشده و فرزند دچار مشکلات روانی می‌شود. والدین در این صورت مدیون فرزندشان می‌شود؛ چرا که از حقوق کودک این است که والدین از روش موثر برای

تربیت کودک استفاده کند. چنانچه در روایت داریم که امیرالمومنین علی(ع) می‌فرماید: «والدین میراثی ارزش‌مندتر و نیکوتر از حسن تربیت برای فرزند باقی نمی‌گذارد» (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴)

چنانچه در آیه دیگر آمده که بازی و مسابقه یوسف را تصریح می‌کند و می‌فرمایند: «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ» (یوسف/۱۷) ای پدر ما رفتیم مشغول مسابقه شدیم.

قرائتی در تفسیر این آیه می‌فرماید نباید در مورد تربیت فرزند سختگیری نمود و به بهانه غیر موجه مانع بازی و سرگرمی‌های سالم کودکان و نوجوانان شد. (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۴، ص ۱۷۵)

آیاتی از قرآن کریم برخلاف این سبک داریم که می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا آلًا وَوَسْعَهَا» (بقره/۲۸۶) خداوند هیچ کس را بیش از توان و قدرتش وظیفه نمی‌فرماید.

در حدیث از پیامبر (ص) می‌فرماید: «خداوند رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک می‌کند» راوی حدیث سوال کرد چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نمایند؟ حضرت در جواب چهار مورد فرمود: آنچه را کودک در توان و قدرت داشت و انجام داد از او قبول کنید، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهید، به او دروغ نگوئید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشوید. (سجادی، ۱۳۹۳، ص ۵۸)

آیات دیگر از قرآن نیز این سبک را مورد مذمت قرار می‌دهد. «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ خَرَجٍ» (حج/۷۸) خداوند



عالم در انجام مقررات دینی شما را در مضیقه و تنگنا قرار نداده است. در تفسیر نور آمده است: ارزش کارها به انگیزه و شیوه و مقدار آن بستگی دارد و هم به مردم شخصیت می‌دهند که سختگیری نکنید و هم در وزن قانون مراعات توان مردم را بکنید. اسلام دین آسان و احکام آن انعطاف‌پذیر است. در زمان‌ها و مکان‌های مختلفی، شایستگی اجرا شدن را دارد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۸۵).

امام باقر(ع) به نقل رسول خدا (ص) فرموده است: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّأكِبِ الْمُنْبَتِّ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى» اسلام دین آسان و خالی از مشقت است. با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت خداوند را بر بندگان‌شان تحمیل ننمایید و همانند سواری نباشید که مرکب خود را خسته و فرسوده می‌کنند و در نتیجه نه راه سفر را پیموده و نه مرکبش سالم مانده. (سجادی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۲)

آیات دیگر از قرآن کریم نیز بر خلاف این سبک فرموده و آن را نقد می‌کند: «وَحَفِضْ جَنَّا حَكَّ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» خویشاوندان و نزدیکان را هشدار ده و برای مؤمنان که از تو پیروی کردند بال خود را بگستر.

در تفسیر این آیه آمده است: گشودن بال در قرآن به دو مورد اشاره دارد. یکی پیامبر(ص) برای مؤمنان و دیگر فرزند برای والدین. اما در مورد فرزند کلمه ذیل نیز آمده است هشدار باید با سوز و محبت باشد. تواضع درباره یاران، پیروان و زیردستان از صفات لازم برای رهبر و مبلغ است.» (قراتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۳۷۸)

وظیفه پدر و مادر تنها تأمین غذا برای فرزند نیست بلکه باید فراتر از آن، محبت و مهربانی نسبت به فرزند در زبان و هم در عمل داشته باشند تا این که حس کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند انسان را به خاطر شدت محبت به فرزندشان مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهد» (دهقانی، ۱۳۸۶: ص ۳۲).

با نظر به آیات قرآن کریم و روایات از ائمه معصومین (ع) این سبک مورد اشکال و نقد قرار گرفته و آسیب‌های زیادی دارند، زیرا والدینی که فرزندان خود را با این روش تربیت می‌کنند، فرزندشان در آینده دچار مشکلات روحی، روانی و عاطفی خواهند شد. لذا جلوگیری از تفریح و بازی، ملامت کردن او در برابر دیگران و قهر کردن والدین با کودک، سخت گرفتن یا حبس کردن کودک و تنبیه والدین ضررهای زیادی به کودک می‌رساند و فرزندان را کج خلق کرده و این باعث شکست فرزندان می‌شود. از وظایف پدر و مادر آن است که اگر فرزندان‌شان دچار اشتباه شوند به زبان خوش کودک را متوجه اشتباه‌شان کرده و نصیحت کنند. نصیحت باید خالص بدون غل و غش باشد. لذا امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «زیاد نباید آنها را نصیحت کرد زیرا نصیحت زیاد باعث کینه می‌شود و زیاد سرزنش کردن تاثیر منفی دارد» (خطبه ۱۶۶، ص ۵۵)

### سبک فرزندپروری سهل گیرانه

نظر به آیات قرآن کریم و روایت از ائمه معصومین (ع) خانواده‌ای که از این طریق فرزندان خود را تربیت می‌کنند این

روش نه تنها قابل مشاهده در زندگی کودکان نمی‌باشد بلکه مشکلات فراوانی در جامعه به وجود می‌آورد. فرزندان نسبت به جامعه احساس مسئولیت نمی‌کنند از همه توقع دارند و از استعدادهای خود به صورت درست استفاده نمی‌کنند و اعتماد به نفس پایین و تقاضای بیشتر از والدین دارند و همچنین در مقابل کوچک‌ترین مشکلات، احساس ضعف از خود نشان می‌دهند و زود ناامید می‌شوند. این نوع تربیت، فرزندان را به لحاظ عاطفی دلبسته شدید می‌کند. (پل‌خاک، ۱۳۸۱، ص ۶۷)

از دیدگاه اسلام والدین نسبت به فرزندان خود مسئول و مکلف هستند و به آنها اجازه داده نمی‌شوند که فرزندان خود را مطلق رها کنند. مسأله تربیت فرزند به حدی سنگین هست که امام سجاد (ع) نیز در مقام تربیت فرزند و مسئولیت سنگین الهی از پیشگاه خداوند استعانت می‌جوید و می‌فرماید: «پروردگارا ما را در تربیت و تأدیب فرزندانم یاری فرما» (فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه برخلاف تربیت فرزند در اسلام است. آیاتی در قرآن کریم موجود است که اشاره به حال خود رها نشدن کودک دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶) ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتش هیزم آن که مردمان (گنهکاران) و سنگ‌ها هستند حفظ کنید آتش که بر آن فرشتگان درشت‌خو و سخت‌گیر نگهبان‌اند. خداوند در آنچه فرمان‌شان می‌دهند نا فرمانی نکنند و آنچه فرمان می‌دهد انجام دهید.

در ذیل آیه داستانی از زندگی حضرت زهرا آورده که نشان‌گر توجه و دقت به تربیت فرزندان هستند. روزی پیامبر(ص) امام حسن (ع) و امام حسین(ع) را به دوش گرفتند و آنان را مورد نوازش قرار دادند. سپس روی به آنها کردند و گفتند: بیا کشتی بگیریم، پیامبر(ص) کشتی گرفتند. حضرت زهرا (س) می‌گویند من دیدم پدرم با جملاتی حسن (ع) را تشویق می‌کردند که در صدد تقویت اوست. بدین سبب به پدرم گفتم ای پدر بزرگووارم از شما تعجب می‌کنم! یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهید آن هم بزرگتر را بر کوچک‌تر، پدرم گفت دوستم جبرئیل حسین را تشویق می‌کند و من حسن را تشویق می‌کنم. (نقی نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷)

آیه دیگر از قرآن می‌فرماید: «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَابْنَئِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (سوره بقره/۱۳۲) ابراهیم و یعقوب به این‌گونه فرزندان خود را سفارش نمودند که ای فرزندان من، خدا برای شما آئین پاک برگزید، پس (پیروی کنید) و تا جان سپردن، الا تسلیم رضای خدا نباشید. تفسیر نور به نکات تربیتی این آیه اشاره می‌کند که ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را به همان آئین سفارش نمودند، ای فرزندان من خداوند برای شما این دین (توحید) را برگزیده است، پس تا پایان عمر بر آن باشید، جز در حال تسلیم بر آن نمیرید. (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۰۷) از این آیه استفاده می‌شود که والدین باید در فکر سلامت عقیده و نسل فرزندان‌شان باشد در وصیت‌های خود تنها به جنبه مادی اکتفا نکنند. و در این زمینه

روایتی از امام باقر (ع) آمده که لقمان به فرزندشان نصیحت می‌کنند، این نشانگر آن است که به فرزند خود توجه داشته باشید. امام باقر (ع) فرمود: «از اندرزهای لقمان حکیم به فرزندشان آن بود که ای فرزندم اگر کسی با گنهکار شریک شود و راه ناپاکی را از وی یاد بگیرد و اگر کسی مجادله را دوست داشته باشد مورد دشنام واقع می‌شود، اگر در مکان بدنامی قدم بگذارد مورد اتهام واقع خواهد شد، اگر کسی با رفیق بد همراه شد از فساد اخلاقی سالم نمی‌ماند، اگر کسی مالک زبان خود نباشد سرانجام پشیمان خواهد شد. (سجادی، بافقی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵) که چگونه دوست را انتخاب کند و از عواقب دوست خوب و بد او را آگاه سازد. این را باید فرزند بداند که اخلاق دوست خیلی تأثیر دارد، والدین هم باید بدانند که با چه کسی رابطه دارد و به کجا می‌رود و کجا نمی‌رود. دیگر این که نسبت به اخلاق خیلی سفارش کند، والدین از نظر اخلاق الگویی برای فرزندان شان باشند. خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: «قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ط أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف/۱۱-۱۲) گفت ای پدر تو چرا از یوسف بر ما ایمن نیستی؟ در صورتی که ما برادران همه خیر خواه یوسفیم و فردا او را با ما بفرست که در چمن و مراتع بگردد و بازی کند و البته ما همه نگهبان ایشان هستیم

رضائی در تفسیر این آیه اشاره دارد «برادران یوسف برای جدا کردن او از پدر از تحریک روانی استفاده کردند و پدرشان را به صورت غیرمستقیم متهم کردند که به آنان اعتماد ندارد و آنها را

امین یوسف نمی‌داند؛ تا این که پدر مجبور شد واکنش نشان دهد و در صورت دفاع، تسلیم خواسته‌های آن گردد. یعقوب (ع) به عنوان یک پدر دلسوز حتی بر تفریح فرزندان‌شان نیز نظارت می‌کردند. آن گونه که فرزندان بدون اجازه به تفریح نمی‌رفتند. اگر پدر و مادر به تربیت فرزندشان دقت نداشته باشند، ممکن است فرزندان، در دنیای امروز فریب بخورند و از عقاید و دین خود منحرف شوند. توجه نکردن پدر و مادر آینده فرزندان را نابود می‌کند. در این باره روایتی از حضرت لقمان آمده و فرموده است: «يَابُنَيَّ اِنَّ تَادِيْبَ صَغِيْرًا» اگر در کوچکی تربیت شود در بزرگسالی سود آن را می‌برند. دیگر این که تأثیر پدر و مادر برای کودک در چهار سال اول بسیار زیاد است و در این مرحله حسن تقلید فوق العاده قوی است. (دهقانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵ و ۲۶)

با توجه به آیات و روایات این سبک تربیت، مشکلات فراوان دارد و مورد تأیید قرآن نیست. والدین که با این روش فرزند خود را تربیت می‌کنند شخصیت فرزندان خود را خراب کرده، بنابراین خود والدین هم مسئول هستند.

### سبک‌های فرزند پروری مسامحه‌کارانه

در روش مسامحه‌کارانه تقاضا و پاسخ دهی هر دو کم است. روابط عاطفی میان والدین و فرزند و هم چنین نظارت و کنترل فرزند بسیار کم است. والدین فرزند خود را رهنمایی نمی‌کنند و اصلاً خود را درگیر فرزندشان نمی‌کنند، فقط غذا و لباس برای او تهیه می‌کنند و بس. ویژگی‌های این والدین، غفلت و به توجهی

است. این والدین کم‌ترین وقت خود را صرف کودک می‌کنند. این والدین اغلب تحت فشار روحی و روانی بوده و آسیب‌های زیادی در زندگی دارند، به همین دلیل کم‌تر متوجه فرزندان خود هستند. این‌ها اولویت را برای خود قائل هستند. این نوع سبک والدین محور است نه فرزند محور. این والدین از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند، احساس مسئولیت نمی‌کنند. از بسیاری از نکات تربیتی فرزند خود غافل است. در این صورت فرزند از لحاظ روانی دچار مشکل شدید می‌شود. بی‌توجهی والدین باعث می‌شود که فرزندان احساس ناامیدی و ناامنی کنند چون والدین به فرزند توجه ندارند و فرزند خود را عضوی از خانواده نمی‌دانند. (فاتحی‌زاده و یاری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱) چنانچه آیات زیادی که در سبک‌های فرزند پروری سهل‌گیرانه و مستبدانه، گفته شد. این سبک کاملاً خلاف تربیت اسلام است و مشکلات زیادی دارد. قرآن این سبک را رد کرده و این آیه خطاب به تربیت‌مریم است که می‌فرماید: خداوند او را به نام نیکو پذیرفت و نیکو تربیت کرد و زکریا را برای کفالت او برگماشت. هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم می‌آمد نزد او رزق شگفت‌آوری می‌دید. گفت ای مریم این روزی از کجا برای تو می‌رسد؟ مریم پاسخ داد این روزی از جانب خداوند است همانا خداوند به هر که بخواهد بی‌حساب دهد» (آل عمران/۳۷)

در تفسیر این آیه بیان شده که مادری همانند مریم، محل تربیت مثل مسجد، سرپرستی همچون زکریای پیامبر، با تغذیه رزق بهشتی محصول آن همچون حضرت عیسی (ع) می‌شود.

والدین روابط خود را باید با فرزندان از طریق محبت و صمیمیت محکم کنند و به فرزندان خود محبت کنند و خود را درگیر فرزندان شان کنند و این یکی از وظائف پدر و مادر عزیز است که نسبت به تربیت فرزند احساس مسئولیت کنند. آیات و روایاتی که در سبک فرزندپروری سهل گیرانه و مقتدرانه آورده شد، به تأکید جدیت در تربیت فرزندان اشاره دارد. در سیره پیامبر (ص) نگاه کنید، رفتار پیامبر(ص) با فرزندان خیلی خوب بوده و همچنین حضرت زهرا (س) در تربیت فرزندان شان خیلی کوشش می کردند و با محبت و صمیمیت نسبت به فرزندان شان رفتار می کردند. یکی از حق هایی که فرزند بر والدین دارد، تربیت نیکو است. به فرموده امام صادق (ع): فرزند بر پدر ۳ حق دارد:

۱. انتخاب مادر مناسب ۲. برای او نام نیکو نهادن ۳. جدیت در تربیت فرزند. پدر و مادر در تربیت فرزند جدیت داشته باشند و استعدادهای درونی او را شکوفا کنند. (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۰۶)

پیامبر(ص) در این باره می فرماید: خداوند رحمت کند بنده را که فرزندان شان را به نیکی و سعادت یاری می کنند، به او احسان می کنند و رفتار دوستانه به فرزندان شان دارند و به آموزش و پرورش او می پردازند. (رفعت نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱)

نظر به آیات قرآن و روایات که بیان شد، این سبک مورد مذمت قرار گرفته و نکات منفی زیاد دارد. از جمله اینکه والدینی که با این روش فرزندان خود را تربیت می کنند، در فرزندشان در آینده شخصیت ناسالم و احساس حقارت، یأس و ناامیدی، اعتماد به



نفس پایین به وجود می‌آید. آن چنان تربیت فرزند در اسلام مهم است که تأکید ویژه بر آن دارد. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: والدینی که نسبت به فرزند بی‌توجه هستند و خواندن و نوشتن و کارهای تربیت فرزندان خود را فدای مال دنیا می‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌گیرند و به صراحت چنین بیان می‌کند: «وای به حال فرزندان آخرالزمان! از دست پدر و مادر که کارهای واجب را به فرزندان‌شان نمی‌آموزند. وقتی که خود فرزند می‌خواهد به فراگیری علم بپردازد، مانع آنها می‌شوند به خاطر مال دنیا، من از این پدر و مادرها بیزارم و آنان نیز از من بیزار هستند» (فاتحی و یاری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲) والدینی که فرزند خود را از این طریق تربیت می‌کنند، فرزندشان در آینده دچار مشکلات روحی و روانی و کمبود عاطفی و دچار اعتماد به نفس پائین می‌شوند.

### سبک مقتدرانه

در روانشناسی سبک‌های فرزندپروری که مطرح شد و در میان این سبک‌ها، سبک مقتدرانه، نزدیک‌ترین سبک به تربیت اسلام است. زیرا در این سبک والدین محبت و صمیمیت نسبت به فرزندان خود دارند و از طریق ابراز محبت روابط خود را به فرزندان محکم می‌کنند. از جهت کنترل و رفتار، محدودیت‌ها را واضح و نسبت به سن کودک در نظر می‌گیرد. بیشتر وقت‌ها از تقویت مثبت برای فرزندان‌شان استفاده کرده و در جایی که تنبیه لازم باشد از تنبیه ملایم استفاده می‌کنند. احترام یک دیگر را حفظ کرده و با فرزندان مشورت می‌کنند و آنها را دوست دارند. (اعظم وفاتحی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴)

خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران/۳۱) بگو خداوند را دوست بدارید و از من پیروی کنید تا خداوند دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آموزنده و مهربان است.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «خداوند فرمود: در مقام تشویق بر پیروی او ترغیت و تصدیق و قبول دعوتش بگو پیروی از رسول خدا و دوستی خدا است و خشنودی او آموزش گناهان و کمال و کامیابی بهشت است. دوری و روی گرداندن از او، اعراض کردن کشمکش با خداوند و خشم و قهر خدا و دوری از اوست که به دوزخ جای دهد».

امام علی(ع) می‌فرماید: «به درستی کسی که دوستی ما ادعا کند و به گفتار ما عمل نکند از ما نیست و ما از او نیستیم» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۵۲۷)

با توجه به آیه قرآن که بیان شد، محبت و دوستی یک مسأله بسیار مهم است. در اینجا به صورت عام بیان شده ولی در مورد فرزند نیز صدق می‌کند. خداوند که تأکید زیادی بر محبت یکدیگر دارد و دوستی با یکدیگر را خوشنودی خود و عدم محبت را قهر و غضب خود می‌داند، فرزند که پاره تن انسان است، به فرزند خود محبت داشته باشید. نمونه دیگر از آیات قرآن که لقمان به پسر می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/۱۳) هنگامی که لقمان به پسرش در حالیکه وی را نصیحت می‌گفت: ای پسرکم به خدا شریک نورز چرا که مسلماً شریک ظلم بزرگ است. این آیه نشانگر محبت و

صمیمت نسبت به فرزندان است و همچنین مسئولیت پدر و مادر را به فرزندان می‌رسانند. فرزندان را نسبت به عقاید با دلائل منطقی آشنا کنند و نسبت به فرزندان بی تفاوت نباشد و نگذارد فرزندان به بیراهه برود و نصیحت‌شان از روی دلسوزی و محبت باشد. برای این که حرف‌هایش نتیجه بدهد، مانند دوست باشد تا این که فرزندان اعتماد و یقین داشته باشند و پندشان هم از روی دلسوزی و دوستی باشند. این حق فرزندان در گردن پدر و مادر است که راه حق را نشان دهد. آیات دیگر از قرآن کریم نسبت به تربیت فرزند می‌فرماید: «أَبِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَصَبِرْ عَلَىٰ مَا عَصَاكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/۱۷) ای پسرکم نماز را برپا دار و به کاری پسندیده فرمان بده و از کاری ناپسند منع کن و در برابر آنچه مشکلات به تو می‌رسد شکیبا باش که این خالی از تصمیم شما در کارها است.

این آیه نشان دهنده وظایف والدین نسبت به تربیت فرزندان می‌باشد و وظیفه والدین را نسبت به تربیت سنگین‌تر می‌کنند که پدر و مادر نسبت به تربیت فرزند از هر جانب توجه داشته باشند. رفتاری اجتماعی و تعامل به یکدیگر، صبر و استقامت و بردباری را نسبت به مشکلات، به فرزندان‌شان بیاموزد و هم چنان وظایف فرزندان را نسبت به معروف و نهی از منکر بیان کنند. در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَتِهِ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان/۱۶) لقمان گفت ای پسرکم! در حقیقت اگر آن کردار تو هم وزن دانه سپیدان باشد و در صحراها و در آسمان‌ها و

در زمین قرار گیرد، خداوند آن را برای حساب می‌آورد؛ چرا که خداوند لطیف و آگاه است. خردل به گیاهی گفته می‌شود که دانه سیاه و کوچک دارد که در کوچکی ضربالمثل شده است. این تفسیر برای این است که اگر اعمال شما هر اندازه کوچک باشد و باز هم خداوند آن را جمع آوری و حساب می‌کند و هیچ چیزی از پیش خداوند گم نمی‌شود. لطیف از ماده لطف گرفته شده که در مورد اجسام به معنی سبک است و گاهی به معنی دقیق و رسیدگی، گاهی به معنای موجودات و کاری بسیار دقیق به کار می‌رود. (رضای و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۳۴۶ و ۳۴۵)

پس در میان روش‌های فرزندپروری که در روانشناسی مطرح شده است، نظر به آیات و روایات که گفته شد، این سبک نزدیک‌ترین سبک به اسلام است؛ زیرا تربیت در اسلام براساس محبت است. در این سبک هم والدین با محبت و صمیمیت نسبت به فرزندان رفتار می‌کنند. با ابراز محبت روابط خود را با فرزندان محکم می‌کنند. به اندازه توان، مسئولیت به فرزندان داده می‌شوند. به سوالات فرزندان با دلیل پاسخ می‌دهند. اهل سرزنش نیستند و در جایی که ضروری می‌دانند از تنبیه ملایم استفاده می‌کنند و به فرزندان با خوشرویی رفتار می‌کنند. با توجه به آیات و روایات این سبک نزدیک‌ترین سبک، به سبک تربیت در اسلام است. البته در آیات قرآن کریم به یک سبک جداگانه غیر از این سبک‌ها اشاره دارد که می‌توان آن را «سبک وظیفه‌مدارانه» نامید.

## نتیجه

در میان سبک‌های فرزندپروری که مطرح شد در روان‌شناسی، از میان این سبک‌ها، سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین سبک، به سبک تربیت اسلام است. اگر چه این روش نزدیک‌ترین سبک، به سبک تربیت اسلام است و باز هم تفاوت کوچکی بین این دو سبک است. چنانچه فرزندپروری مقتدرانه، با تقاضا و پاسخ‌دهی زیاد والدین مشخص می‌شود. درحالی که در روش تربیت اسلام تقاضا و پاسخ‌دهی بر محور تعادل است. معمولاً والدین مقتدرانه تلاش می‌کنند تا فرزندان، به اهدافی دست یابند که خودشان تعیین کرده‌اند. درحالی که در روش اسلام اهدافی را که خداوند برای تربیت فرزند مطرح کرده نیز مدنظر قرار می‌گیرد. اگرچه والدین سبک مقتدرانه در پی عزت‌بخشی فرزندان خویش هستند در نگاه آنان انسان از این جهت که انسان است می‌تواند استقلال داشته باشد و به عزت نفس انسان توجه دارند. درحالی که در اسلام انسان از آن جهت که وجود او از وجود خداوند است ارزش بالایی دارد. (حجر / ۲۹) بر هر انسان لازم است که این ارزش را حفظ کند و افزایش دهد. این وظیفه بر دوش والدین به‌عنوان عاملان اصلی تربیت فرزند نهفته است، تا بیشتر به این اصل اساسی تربیت توجه کنند و محور خویش را بر این اصل قرار دهند. در روش فرزندپروری مقتدرانه و روش مسامحه‌کارانه و روش آسان‌گیرانه و روش مستبدانه بیشتر بر نوع شخصیت والدین و نگرش آنها تأکید می‌شود. در حالی که در شیوه وظیفه‌مدارانه از

یک سو معیار و شیوه فرزندپروری و از سوی دیگر فطرت خود انسان است و والدین موظفند براساس آن بر نامه‌ریزی تربیت کنند.

در سبک‌های تربیتی غرب، انسان در چگونگی تربیت فرزندان مدنظر است. در حالی که در شیوه وظیفه مدارانه خداوند ناظر بر چگونگی تربیت انسان است. والدین اعتقاد دارند که فرزندان امانت الهی در نزد والدین هستند و هدایت و تربیت فرزندان وظیفه خداوند بر دوش آنها است و باید در روز قیامت در برابر خداوند پاسخگو باشند. هدف از تربیت فرزند در چهار سبک، مقتدرانه، سهل‌گیرانه، مسامحه‌کارانه و مستبدانه برای کنترل و اجتماعی کردن انسان‌ها است. در حالی که در روش وظیفه‌مدارانه هدف از تربیت فرزند، رساندن به قرب الهی است. در چهار روش مطرح شده در غرب والدین به تربیت دینی فرزندان توجه ندارند، در حالی که در روش اسلام تربیت براساس توحیدمداری و ولایتمداری است. والدین مسئولیت دارند که تربیت فرزند براساس توحید باشد و از فرزندان خود بخواهد که در آثار صنع الهی بیندیشند و هیچ چیزی را شریک خداوند قرار ندهند. (لقمان/۱۳)

همیشه به یاد او باشند و با او ارتباط محکمی برقرار کنند. در سبک فرزندپروری غرب، انسان‌هایی را نمونه قرار می‌دهند که در ابعاد دنیوی یعنی علم، فن، هنر و غیره سرآمد باشند. ولی در شیوه تربیت وظیفه‌مدارانه پیامبر(ص) و اهل البیت(ع) به دلیل انسان کامل بودن، بهترین الگوی تربیت معرفی می‌شوند.

## فهرست منابع

۱. سادات، فاطمه، رفعت نژاد، محمد تقی، عطیه الاهی، قم، انتشارات: خادم الرضا، ۱۳۹۴، چاپ اول.
۲. سجادی محمد حسین، خانواده و حقوق فرزندان، قم، ۱۳۹۳، چاپ اول.
۳. حسینی خسرو امیر، خانواده خوش بخت فرزند موفق، ۱۳۸۲، ناشر عارف کامل.
۴. پل، خاک، موفقیت در تربیت فرزند بارویکرد عقلانی و عاطفی، ترجمه محمدطاهر رضایی، ۱۳۸۱، انتشار، مرکز نشر و پخش، آثار روانشناسی تربیتی.
۵. پرچم، فاتحی زاده، اعظم، یاری مریم، مقایسه سبک‌های فرزند پروری بامرین با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام، ۱۳۹۱، چاپ دانشگاه اصفهان.
۶. علی رضایی اصفهانی، محمد، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۹۱، انتشارات پژوهش‌های تفسیر علوم قرآن، محل چاپ قم، ج ۷.
۷. افروز، غلام‌علی، روانشناسی خانواده همسر برتر، ۱۳۸۰، انتشار انجمن اولیای مربیان.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۸۳، تهران، چاپ ۲۷.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۸۴، انتشار وزارت فرهنگی.
۱۰. بهرام‌پور، ابوالفضل، تفسیر مبین، ۱۳۹۸.
۱۱. دهقانی اکبر، ۱۱۴ نکته از قرآن کریم و احادیث پیرامون تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۶، ناشر: حرم.
۱۲. قرائتی محسن، تفسیر نور، ج ۶، ۱۳۸۶، انتشار: وزارت فرهنگی.
۱۳. اعرافی، علی‌رضا، فقه تربیتی (تربیت اخلاقی)، ۱۴۰۱ ش.
۱۴. حقانی، ابوالحسن، روانشناسی رشد، ۱۳۹۶، انتشارات: آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۵. حسینی، عاطفه، نقش و رسالت معلم و مربی در تربیت کودکان، ۱۳۸۲، بی‌نا.
۱۶. رحیمیان، محمدتقی، رهبر، محمدحسین، اخلاق و تربیت اسلامی، ۱۳۸۵، چاپ سیزدهم.
۱۷. کریمی‌نیا، محمدعلی، الگوهای تربیتی، ۱۳۸۰، انتشارات پیام مهدی (عج)، چاپ دوم.
۱۸. عارفی، مرضیه، روان‌شناسی رشد، ۱۳۹۲، انتشارات موسسه آبان ادیب باختر.
۱۹. آقا تهرانی، مرتضی، حیدری کاشانی، محمدباقر، خانواده و تربیت مهدوی، ۱۳۸۹، چاپ ۸.
۲۰. آقامحمدی، بررسی نقش الگو در تربیت دینی فرزندان، ۱۳۹۲.
۲۱. برک، لورا، روانشناسی رشد از نوجوان تا پایان زندگی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ ۲۶، ۱۳۹۳، ارسپایان.
۲۴. مهری‌نژاد، سیدابوقاسم، پریسا اصغری نژاد، تربیت از دیدگاه معصومین و قرآن کریم، ۱۳۹۲، انتشارات آوای نور.
۲۵. محمدی، جواد، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی کودکان، ۱۳۹۲، شماره دوم.
۲۶. کیهان‌نیا، خانواده خوشبخت، ترجمه امید میرزاپور، ۱۳۸۲، چاپ اول.
۲۷. کلبر، هالسی، رفتار با کودکان و نوجوانان، مترجم: سیاوش جمالفیر، تهران، ۱۳۹۰، چاپ اول.